

## جایگاه خاورمیانه در اندیشه‌های ژئوپلیتیک

دکتر جعفر قامت

استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

### چکیده

خاورمیانه به عنوان حیات استراتژیک قدرتمندان و تلاقی علایق شان همواره در زمره سیاست و استراتژی بالا از طرف قدرت‌های بزرگ قرار داشته است. تقریباً همه مباحث چشم اندازهای ژئوپلیتیک جهانی با سر هالفورد مکیندر آغاز می شود، در اندیشه این ژئوپلیتیسین خاورمیانه عربی به علت همجواری با هارتلند و دسترسی به آب‌های آزاد بهترین موقعیت استراتژیک را هم برای تهدید هارتلند و هم برای دفاع از آن در اختیار خاورمیانه عربی قرار داده است، اندکی بعد آلفرد ماهان در چهارچوب فضایی نظریه قدرت دریایی، اهمیت مجموعه شبه جزایری منطقه خاورمیانه را که معتقد است بایستی روسیه را در این منطقه متوقف کرد، مورد تأکید قرار می دهد.

از دیگر نظریات مشروح قائل به جایگاه خاورمیانه در این مقاله، می توان از نظریه «ریملند» نیکولاس اسپایکمن، و القاب خاورمیانه به عنوان «کمر بند شکننده» در اندیشه های کوهن، خاورمیانه عربی به عنوان قلب جهان اسلام در نظریه «برخورد تمدن های هانتینگتون»، اندیشه های دکتر پیروز مجتهدزاده که خاورمیانه را به عنوان «هارتلند جدید» و بزرگترین مخزن نفتی جهان نام می برد و سر انجام خاورمیانه به عنوان بزرگترین حیات استراتژیک برای تأمین منافع راهبردی آمریکا در اندیشه های زبینگیو برژینسکی را می توان نام برد.

واژه های کلیدی: ژئوپلیتیک، خاورمیانه، هارتلند، ریملند، کمر بند شکننده، بیضی استراتژیک، انرژی.

## مقدمه

ژئوپلیتیسین‌های دنیا کوشش‌های عدیده‌ای کردند تا برای مناسبات بین دولت‌ها مدل‌های ژئوپلیتیکی مطرح کنند، اما این مدل‌ها چه چیز را درباره مکان خاورمیانه در نظام جهانی فاش می‌کنند؟

دولت‌های خاورمیانه نه تنها فاقد یک چشم‌انداز ژئوپلیتیک مجرد هستند بلکه دارای انواع دیدگاه‌هایی هستند که تحت تأثیر تاریخ، ایدئولوژی سیاسی و مکان جغرافیایی شکل گرفته‌اند. از آن جا که از این مدل‌ها پیوسته به عنوان چهارچوب توجیهی مسائل ژئوپلیتیکی منطقه استفاده می‌شود، لذا تحلیل جایگاه منطقه خاورمیانه در چهارچوب این مدل‌ها، اهمیت مکانی - سرزمینی و موقعیت سوق‌الجیشی منطقه خاورمیانه را در نظام بین‌الملل آشکار می‌سازد. این احساس که زمانی خاورمیانه مرکز جهان اسلام بوده است با این واقعیت تقویت می‌شود که یهودیت، مسیحیت و اسلام که پیروان آن‌ها بیش از نیمی از جهان را شامل می‌شود، از خاورمیانه برخاستند، نشان‌دهنده نمایه‌ای مهم از این هارتلند مهم جهانی است.

در منطقه خاورمیانه احساس خطر بیشتری از جانب تهدیدات خارجی، دسیسه‌های هماهنگ غربیان، تهدید تفرقه بیانداز و حکومت کن، امپریالیسم فرهنگی و اقتصادی، ریشه‌کن‌سازی مسلمانان در منطقه و ... موجود می‌باشد. (باری بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۰۳) به عقیده نوح‌حافظه‌کارانی چون ریچارد پرل<sup>۱</sup>، خاورمیانه دارای برخی رژیم‌های سرکش است که امیدی به تغییر رفتار دائمی آن‌ها نیست، این رژیم‌ها مردود هستند و باید سرنگون شوند. به گفته نورمن پود هورتسن<sup>۲</sup> از کارشناسان برجسته مسائل راهبردی، تغییر رژیم نه تنها در عراق، بلکه در ایران، عربستان سعودی و سوریه و برخی دیگر از کشورهای منطقه کاملاً ضروری است. برای اینکه امنیت آمریکا از طرف رژیم‌های خاصی که به تنفر از آمریکا و سیاست‌هایشان دامن زده و تروریست‌ها را عمداً یا سهواً یاری می‌رسانند، کاملاً تهدید می‌شود. بر این اساس اشغال نظامی عراق، فاز اول تغییر رژیم در منطقه است که بر اساس آموزه «آزادسازی» و با هدف به اطاعت واداشتن تمام منطقه صورت می‌پذیرد. به گفته «جان لوریس گادیس» «با یک نگاه دقیق‌تر آشکار می‌شود که برنامه‌ای برای تحول کلی در تمام منطقه خاورمیانه در جریان است، این روندی است که می‌تواند رژیم‌های تندرو در خاورمیانه را قطعاً به گور سپرده و زمینه‌های پرورش تروریسم را نابود سازد و در عین حال، جریان مداوم، مطمئن و ارزان نفت را به غرب میسر سازد، این‌ها همه مواردی است بر اهمیت ژئوپلیتیک منطقه که جایگاه این منطقه را در نظام ژئوپلیتیک جهانی آشکار می‌سازد. (نصری، ۱۳۸۵: ۳۰)

منطقه خاورمیانه به عنوان منطقه حاشیه اوراسیا در برخورد میان قدرت‌های جهانی هنوز به صورت یک منطقه کلیدی استراتژیک دیده می‌شود و این کاملاً جدا از نگرانی‌هایی است که بر

1- Richard Perl

2- Norman Pod Hodsens

سر دسترسی به میدان‌های نفتی وجود دارد، ویلیام کلارک<sup>۱</sup> معتقد است که این منطقه مرکز بروز تمدن و ابداعات بوده است. (Klark, 1965: 434-433)

یکی از موارد مطروحه مهم منطقه خاورمیانه در مدل‌های ژئوپلیتیک توجه به این مسأله است که دل مشغولی ژئوپلیتیک واقعی مردم در خاورمیانه، دغدغه منطقه‌ای است نه جهانی، به عنوان مثال، دولت‌های عربی مجاور اسرائیل از رشد یک دولت یهودی در قلب جهان عرب خشمگین هستند، مثال دیگر این موضوع در منطقه خلیج فارس است، در این جا دولت‌های عربی آن قدر که از توسعه‌طلبی عقیدتی و نظامی ایرانیان می‌ترسند از روسیه و آمریکا بیم ندارند. جنگ ایران و عراق باعث شد که اذهان متوجه خطرات منطقه‌ای گردد و شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک واکنش منطقه‌ای به وجود آید، چنین مثال‌هایی ضرورت و اهمیت ژئوپلیتیک محلی و منطقه‌ای را در خاورمیانه آشکار می‌سازد.

### اندیشه‌های ژئوپلیتیک و پردازش جایگاه خاورمیانه در آن

#### \* سرهالفورد مکیندر و نظریه هارتلند

سرهالفورد مکیندر<sup>۲</sup> (۱۸۶۱-۱۹۴۷) را باید احتمالاً معروفترین بنیانگذار ژئوپلیتیک سنتی دانست. شهرت او عمدتاً مدیون مقاله‌ای است که با عنوان «محور جغرافیایی تاریخ»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۰۴ در «مجله جغرافیایی»<sup>۴</sup> منتشر شد (لورو و توال، ۱۳۸۰: ۱۵). مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می‌شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد. جزیره جهانی دو سوم خشکی‌های جهان و هفت هشتم جمعیت دنیا را دربرمی‌گیرد. کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند<sup>۵</sup> است. وی هارتلند را منطقه وسیعی می‌دانست که از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد. از نظر او هارتلند از سوی هیچ یک از قدرت‌های دریایی تهدید نمی‌شد مکیندر عقیده داشت که اطراف منطقه هارتلند را دو ناحیه فرا گرفته است: ۱- هلال داخلی یا حاشیه‌ای<sup>۶</sup> شامل سرزمین‌هایی که پشت به خشکی اوراسیا و در کنار آب قرار دارند و قابل دسترسی قدرت دریایی هستند و با موقعیت ساحلی که دارند، عمدتاً نقش ژئواستراتژیک ایفا می‌نمایند (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۳). هلال داخلی بیشتر کشورهای اروپای غربی، خاورمیانه از جمله ایران و آسیای جنوبی و شرقی را دربرمی‌گیرد. ۲- هلال خارجی یا جزیره‌ای<sup>۷</sup> که شامل بریتانیا، ژاپن و استرالیا است. مکیندر نهایتاً در سال ۱۹۱۹ بیانیه معروف خود را ارائه داد. (Glassner, 1993: 226)

کسی که بر شرق اروپا تسلط یابد، بر هارتلند حاکم خواهد بود.

1- William klark  
3- The Geographic pivot of history  
5- Heartland  
7- Outer or Insular Crescent

2- Sir Halford Mackindar  
4- Geographic Journal  
6- Inner or Marginal Crescent

کسی که بر هارتلند حاکم شود، بر جزیره جهانی حاکم خواهد بود. و کسی که بر جزیره جهانی حاکم باشد، بر دنیا مسلط خواهد بود. (Mackinder, 1919: 136) با نگاهی به ساختار فضایی نظریه هارتلند، مشخص می‌شود که مکیندر خاورمیانه را در این نظریه جزء منطقه ریملند و هلال داخلی می‌داند. این بخش از خاورمیانه جزء سرزمین‌هایی است که چون یک کمر بند، هارتلند را محاصره کرده‌اند. همجواری با هارتلند از یک طرف و دسترسی به آب‌های آزاد از طرف دیگر بهترین موقعیت ارتباطی و استراتژیک را هم برای تهدید هارتلند و هم برای دفاع از آن در اختیار خاورمیانه عربی قرار داده است.

### \* آلفرد تاینر ماهان و نظریه قدرت دریایی

دریاسالار آلفرد ماهان<sup>۱</sup>، فارغ التحصیل آکادمی دریایی آمریکا، چهل سال از عمر خود را در نیروی دریایی این کشور سپری کرد و مدتی نیز رئیس دانشگاه جنگ وابسته به نیروی دریایی ایالات متحده بود (عزتی، ۱۳۸۰: ۵۴). وی یکی از پیشکسوتانی است که اهمیت قدرت دریایی یا سلطه بر دریاها را مطرح می‌سازد. به گمان وی توفیق برخی از دولت‌ها در جای دادن خود بر تارک سلسله مراتب دول، مدیون همین عامل است. ماهان در سال ۱۸۹۷ در کتاب «منافع آمریکا در سلطه بر دریاها»<sup>۲</sup> نظریه خود را دائر بر هدایت عملی کشورش در راه ارتقا به قدرت جهانی ارائه نمود. او به ذاتی بودن قدرت در فضای آبی اعتقاد داشت و آب را منشأ قدرت می‌دانست. وی آمریکا را مصداق بارز کشورهایی می‌دانست که شرایط لازم را برای نیل به سلطه دارا هستند. او موقعیت جزیره‌ای و آزادی عمل تجاری این کشور را بر پهنه اقیانوس‌ها، دلیل ادعای خود می‌دانست. (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۲۰)

در چهارچوب فضایی نظریه قدرت دریایی، خاورمیانه عربی جزئی از مجموعه شبه جزایر است که در سطح گسل و سطح اتصال آب‌ها و خشکی‌ها هستند. در این جا مهمترین نقش ایران در خاورمیانه عربی آن است که در مسیر دسترسی قدرت بری روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار گرفته است. بنابراین خاورمیانه عربی مکانی است که باید جلوی حرکت روسیه در آنجا سد شود.

### \* نیکولاس اسپایکمن<sup>۳</sup> و نظریه ریملند

اسپایکمن در کتاب «جغرافیای صلح»<sup>۴</sup> که بعد از مرگش در سال ۱۹۴۴ به چاپ رسید، عقاید خود را که بیشتر در نقد اندیشه‌های مکیندر و هاوس هوفر بود، بیان کرده است. او چارچوب فضایی نظریه مکیندر را می‌پذیرد؛ اما به جای هارتلند، هلال داخلی را که وی آن را اصطلاحاً سرزمین حاشیه یا «ریملند»<sup>۵</sup> می‌نامد، واجد اهمیت می‌داند. از نظر اسپایکمن، منطقه

1- Alfred Mahan  
3- Nicholas Spykman  
5- Rimlands

2- The interest of America in sea power  
4- Geography of peace

ریملند کارکرد اصلی را دارد و منشأ اصلی تولید قدرت محسوب می‌شود. این منطقه در قالب یک فضای جغرافیایی دو وجهی که ترکیب آب و خشکی است، قرار می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۴). در عین حال در نظریه ریملند، سهولت حرکت در دریا و تجارت دریایی، امکان برقراری یک سلطه مافوق را که نمونه‌ای از ساخت ژئوپولیتیک جدید است، امکان‌پذیر می‌سازد و این باعث می‌شود تا اسپایکمن در نهایت قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی در نظر بگیرد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۸)

اسپایکمن در نظریه خود خاورمیانه عربی را در قلمرو ریملند جای می‌دهد. قلمروی که بین منطقه محور یا قلب زمین و آب‌های پیرامون قرار گرفته است و اکثر رقابت‌ها و مخاصمات قدرت‌های دریایی و زمینی در آن به وقوع می‌پیوندد. از نظر تاریخی، ریملند محل ایجاد قدرت‌های کلاسیک قدیم مانند چین، هند، ایران، عثمانی، روم و... بوده است. ایران معاصر در این نظریه از آنجا که جزئی از ریملند است، موضوع رقابت دو قدرت بری و بحری است. ایران به عنوان بخش حساس ریملند، میدان رقابتی برای قدرت‌ها است و بدون تردید هرکس این منطقه را کنترل کند می‌تواند قدرت جهانی را کنترل کند و بر رقیبان پیروز شود. چنین به نظر می‌رسد که سیاست‌های جهانی دوره جنگ سرد و بعد از آن را نظریه ریملند شکل داده است و هنوز هم سیاست‌های جهانی تحت تأثیر این نظریه است.

بیشتر وقایع تاریخ خاورمیانه عربی نیز در قالب این نظریه قابل تحلیل است. موقعیت خاورمیانه عربی به همراه ایران باعث شده بود تا به عنوان مهمترین قسمت منطقه ریملند ایفای نقش کند. این واقعیت باعث شد تا برخی نیروهای سیاسی داخلی از وضعیت موجود که همانا تأثیر پذیری مسایل کشور از دو قدرت برتر بود، خسته شوند و به دنبال نیروی سومی باشند.

#### \* نظریه‌های ژئوپولیتیک کوهن

سوئل. بی کوهن<sup>۱</sup>، اندیشمند آمریکایی، صاحب دو نظریه در حوزه ژئوپولیتیک است. وی در نظریه سیستم ژئوپولیتیک جهانی، کشورهای جهان را عناصر یک سیستم یکپارچه تصور کرد که با یکدیگر روابط سیستمی دارند و براساس تعاملات گسترش‌یابنده بین آن‌ها، همبستگی و انسجام سیستم دائماً توسعه پیدا می‌کند. سیستم ژئوپولیتیک جهانی بر پایه تجارت خارجی، نظام شهری، عامل علم و تکنولوژی و نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دائماً از پویایی برخوردار است. به اعتقاد وی نگرش سیستماتیک به ژئوپولیتیک جهانی بر خلاف نگرش‌های کلاسیک منجر به توسعه همبستگی، همگرایی، همزیستی و صلح بین اجزاء سیستم می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۹). کوهن در کتابی که آن را «جغرافیا و سیاست در جهانی از هم گسیخته» نامید، نظریه ساختار ژئوپولیتیک جهان را ارائه داد. در این ساختار جهان از دو قلمرو

1- Suel B. Cohen

2- Geography and politics in a divided world

ژئواستراتژیک که هر کدام به چند منطقه ژئوپولیتیک تقسیم می‌شوند و نیز یک سری قلمروهای فرعی‌تر تشکیل می‌شود.

اس. بی. کوهن یک طرح کمتر جدلی از مناطق ژئواستراتژیک جهان ارائه داد که در آن خاورمیانه همراه با مصر، سودان و بخشی از لیبی به عنوان «کمر بند شکننده خاورمیانه» معرفی شد. (Cohen, 1973, p: 253) در نظریه وی کمر بند شکننده بدین صورت تعریف شده است: «یک منطقه وسیع با موقع استراتژیک ... اشغال شده توسط دولت‌های در حال کشمکش ... که بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ گیر کرده است» (درايسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۳۷). کوهن این منطقه را به دو دلیل جزو کمر بند تنش نامیده است: اولاً این منطقه از اهمیت استراتژیکی ویژه‌ای برای ابرقدرت‌ها برخوردار بود. به علاوه، رقابت دیرینه میان گروه‌های بومی با اهداف متمایز و غالباً ناسازگار از جمله مشخصه‌های این منطقه بود. به همین دلیل مرزهای کشورهای قرار گرفته در کمر بندهای شکننده معمولاً در معرض بی‌ثباتی و دگرگونی قرار داشتند. خاورمیانه به همراه آفریقای شمالی و آسیای جنوب غربی در همسایگی، مرکز درگیری‌های اصلی بین المللی در دوران جنگ سرد بوده است. خاورمیانه محل تلاقی سه قاره اصلی جهان قدیم است. به علاوه ذخایر عظیم نفت خام منطقه برای اقتصادهای کشورهای صنعتی جهان نقش حیاتی خود را به اثبات رسانده است. به دنبال حرکت یهودیان اروپا به سمت فلسطین و در نتیجه پایه ریزی دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تنش‌های قومی دیرینه در منطقه خاورمیانه تشدید گردید. طی این سال‌ها، چندین جنگ مهم میان اسرائیل و همسایگان عرب آن در گرفته است. در واقع آخرین درگیری جنگ سرد — یا شاید اولین مناقشه پس از جنگ سرد — میان سازمان ملل و عراق بر سر کویت در سال ۱۹۹۱ پدید آمد (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۸۱). اهمیت خلیج فارس به عنوان یکی از مهمترین و استراتژیک ترین مناطق خاورمیانه عربی نیز، در معادلات قدرت جهانی چنان است که به بیان هانکس و کوتزل «عراق نیست اگر بگوییم که هر کس کنترل این آب‌ها را به دست گیرد، قابلیت تعیین سرنوشت کشورهای متعددی، به خصوص کشورهای صنعتی قدرتمند دنیا، را خواهد یافت» (Hanks & Cortell, 1981: 88 El-Shazly, 1998: 154). عامل دیگری که شخصیت هماهنگ و متمایز سیاسی این منطقه ژئوپولیتیک را از اواخر قرن پانزدهم میلادی، نیرو بخشید اهمیت استراتژیک آن میان قدرت‌های رقیب بوده است. پرتغالی‌ها، هلندیان، فرانسویان و روس‌ها هر یک چیرگی بر این منطقه را برای سیاست‌های استعماری خود در خاور زمین ضروری یافتند. با شکست فرانسویان در جنگ‌های ناپلئونی، انگلیسی‌ها، روس‌ها، عثمانیان و ایرانیان، هم‌زمان یا یکی پس از دیگری، رقیبان اصلی در این منطقه شدند. محیط سیاسی که هریک از این قدرت‌ها در این منطقه آفریدند، به‌ویژه محیطی که انگلیسی‌ها نزدیک یک قرن و نیم در منطقه فراهم آوردند، همراه با زندگی اقتصادی که گرد

صید و بازرگانی مروراید دور می زد و بعدها جای خود را به زندگی اقتصادی متکی به تولید و بازرگانی داد، همه به گونه پدیده‌هایی از یک محیط متمایز درآمدند و آن محیط را، جدا از محیط‌های اطراف، شخصیتی ویژه و متمایز از دیگران دادند، محیطی که با اطمینان می توان منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس نامید (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۱۲۴-۱۲۳)

#### \* ساموئل پی. هانتینگتون و نظریه برخورد تمدن‌ها

هانتینگتون<sup>۱</sup> یک روشنفکر دولتی است که در مسائل حکومتی به ویژه مسائل حکومت سلطه طلب، تخصص دارد. او دوره کارشناسی را در سال ۱۹۶۶ در دانشگاه یال، دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۹۴۸ در دانشگاه شیکاگو و دوره دکتری را در دانشگاه هاروارد گذرانده و زندگی خود را در میان حلقه نخبگان آکادمی ایدی لیگ و بنگاه سیاستگذاران خارجی سپری نموده است (اتوتایل، ۱۹۹۶: ۳۸۷). کمتر توجه می‌شود که مقاله معروف او زیر عنوان «برخورد تمدن‌ها»<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۹۳ در مجله معتبر فارین افیرز<sup>۳</sup> به چاپ رسید، حاصل یک پروژه تحقیقاتی گسترده بود که توسط تیمی به سرپرستی وی در مؤسسه مطالعاتی اولین<sup>۴</sup> به چاپ رسید.

از نظر هانتینگتون، جهان از ۷ یا ۸ قلمرو فرهنگی و تمدنی تشکیل شده است. این قلمروها اولین سطح تقسیم انبای بشر هستند و این ساختار ژئوپلیتیک، سیاست جهانی آینده را شکل خواهد داد (Huntington, 1993: 159). از نظر او هفت یا هشت تمدن اصلی بشری عبارتند از: تمدن غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاوی - ارتدوکسی، آمریکای لاتین و احتمالاً تمدن آفریقایی.

ستیز این تمدن‌ها در دو سطح خرد و کلان ظاهر می‌شود. در سطح خرد کشمکش بین گروه‌های مجاور هم (نظیر بوسنی) خواهد بود و در سطح کلان کشمکش بین دولت‌ها از تمدن‌های متفاوت صورت خواهد پذیرفت که برای دستیابی به قدرت و نهادهای بین‌المللی و نفوذ در طرف‌های ثالث با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت (اتوتایل، ۱۹۹۶: ۳۹۲). هانتینگتون در مقاله خود از احتمال نزدیکی و یا اتحاد تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی و برخورد آن‌ها با تمدن غرب سخن گفته و هشدار داده است. در هر حال او نظریه خود را چارچوب مفهومی یا پارادایم تحلیل رخدادهای بین‌المللی دوره بعد از جنگ سرد، عنوان نموده است (امیری، ۱۳۷۴: ۱۱). در نظریه برخورد تمدن‌ها، خاورمیانه عربی به عنوان قلب جهان اسلام و میراث‌دار باستانی آن به همراه ایران در مرکز تمدن اسلامی قرار می‌گیرد و تمدن اسلامی خود در وسط جهان قرار گرفته و از شمال آفریقا تا جنوب فیلیپین را دربرمی‌گیرد. حرفی که هانتینگتون مطرح می‌کند و فوق‌العاده نیز خطرناک است، این است که نه تنها امکان برخورد بین تمدن‌ها وجود

1- Samuel Huntington  
3- Foreign Affairs

2- The clash of civilizations  
4- Oulin Studies Institute

دارد، بلکه جلوگیری از چنین برخوردهایی در واقع امکان پذیر نیست و به قول او لبه‌های این تمدن‌ها همیشه خونین است. اتفاقی نیست که مثال او برای این موضوع، تمدن اسلامی است. چنان که مشاهده می‌کنیم، امروزه هر جا که تمدن اسلامی با تمدن‌های دیگر در رابطه است لبه‌های خونین دیده می‌شود (نصر، ۱۳۷۴: ۱۲۶). بدون شک خاورمیانه عربی و ایران به عنوان یکی از مهمترین عناصر جهان اسلام، ناچار هستند که به فعالیت‌هایی که در درون تمدن اسلامی رخ می‌دهد بیشتر توجه کنند. علاوه بر این نقش خاورمیانه عربی و ایران در جهان اسلام، هانتینگتن به صورت موزیانه و زیرکانه از نزدیکی زیاد ایران و پاکستان و چین اعلام خطر می‌کند. از نظر او اینکه این کشورها زانوی خود را خم نمی‌کنند و حاضر نیستند اوامر آمریکا را اجرا کنند، ایجاب می‌کند که غرب نیز مواظب باشد تا چنین اتحادی به وجود نیاید. بدون تردید این گونه بزرگ‌نمایی هانتینگتن و طرح آن، از نظر اخلاقی مطرود و برای ایران خطرناک و فریبنده خواهد بود (همان، ۱۳۷۴: ۱۳۶).

#### \* پیروز مجتهدزاده و هارتلند جدید

به اعتقاد مجتهدزاده، خلیج فارس و دریای خزر، به عنوان دو منطقه اصلی برآورنده نیاز روزافزون انرژی جهان در قرن بیست و یکم، برای جهان غرب اهمیت فراوانی دارد. منابع نفتی دریای خزر، تا ۲۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است؛ در حالی که کمپانی‌های فعال در منطقه روی میانگین ۹۰ میلیارد بشکه حساب می‌کنند که به میزان منابع نفتی کشف شده ایران نزدیک است. از طرفی، تنها دو کشور خزری ایران و روسیه، حدود ۷۰٪ منابع شناخته شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۳). قابلیت افزایش تولید نفت حوزه خلیج فارس نیز از ۳۱٪ کل نفت جهان در سال ۲۰۰۲ به ۳۶٪ در سال ۲۰۲۰ وجود دارد (Bahgat, 2002: 460). این در حالی است که حوزه انرژی خلیج فارس به عنوان بزرگترین مخزن نفتی جهان در اختیار کشورهای خاورمیانه عربی منطقه خلیج فارس نیز هست این واقعیت‌ها باعث شد تا دانشمند خبره آمریکایی، پرفسور جفری کمپ<sup>۱</sup> در نوشته‌ای که در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد، مجموعه سرزمین‌های در برگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را «بیضی استراتژیک انرژی<sup>۲</sup>» نام دهد. تلاقی خاورمیانه عربی با یکی از مهمترین این مناطق موقعیت استراتژیکی بی بدیلی را به آن عرضه کرده است.

#### \* خاورمیانه عربی در اندیشه‌های زیگنیو برژینسکی

برژینسکی<sup>۳</sup>، مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر و ژئوپلیتیسین سرشناسی است که اندیشه‌هایش مورد توجه بیشتر دولتمردان در کشورهای مختلف قرار

1- Geoffrey Kemp

2- The strategic energy ellips

3- Zbigniew Brzezinski



می‌گیرد. وی ریاست یک گروه تحقیقاتی تحت عنوان «گروه ویژه ضربت» در شورای روابط خارجی آمریکا را بر عهده داشت که نتیجه تحقیقات آن در گزارشی با نام «اشتباهات سیاست‌های آمریکا در قبال ایران» در تابستان ۱۳۸۳ منتشر شده است. به اعتقاد برژینسکی، منطقه خاورمیانه، پیچیده، بی‌ثبات و برای منافع راهبردی گوناگون آمریکا بسیار حیاتی است. خاورمیانه عربی در این میان موقعیتی پیرامونی و ایران موقعیتی مرکزی دارد. چه از لحاظ نمادین و چه به مفهوم واقعی و بدین لحاظ عملکرد آن در عرصه داخلی و بین‌المللی عواقبی گسترده برای منطقه و منافع آمریکا دارد.

### جمع بندی و نتیجه‌گیری

از جمع بندی مطالب فوق به دست می‌آید که خاورمیانه به عنوان یک منطقه استراتژیک بزرگ، به‌عنوان مهره اصلی بازی در دست قدرت‌های بزرگ می‌باشد و در این مکان جغرافیایی، منافع اقویاء مورد تلاقی و برخورد بین همدیگر قرار می‌گیرد، با توجه به این موضوع می‌توان از خاورمیانه به عنوان مناطق گسسته‌ای نام برد که از نیل به یک اتحاد سیاسی و یا اقتصادی عملی ناتوان می‌باشند، این در حالی است که برخی از بخش‌های کمربند گسسته می‌تواند سیاست بی‌طرفی یا عدم تعهد را اتخاذ نماید ولی همزمان سایر بخش‌ها در پیوندهای خارجی ادغام می‌شوند. علت اینکه از این منطقه به‌عنوان کمربند گسست نام برده می‌شود این است که کشورهای این منطقه دارای اختلافات چشمگیر می‌باشند و در مکانی قرار گرفته‌اند که منافع‌شان در میان چرخ‌های منافع بیگانگان خرد می‌شوند (هر چند این تعریف مربوط به دوران جنگ سرد می‌باشد). از سوی دیگر برخی از کشورهای بزرگ و معادله‌ساز در این منطقه به‌علت ایفای نقش «شریک و یا همکار استراتژیک» برای بلوک‌های قدرت در نظام بین‌الملل، یک سیستم پرفشار ژئوپلیتیک را در منطقه دامن زده‌اند و همیشه در راستای تأمین منافع اقویا کوشیده‌اند، این‌ها همه واقعیاتی است در مورد منطقه خاورمیانه که ذهن اندیشمندان ژئوپلیتیک جهان را در این منطقه به کنکاش واداشته است و بر آن شده‌اند تا با واکاوی لازم از منطقه خاورمیانه به عنوان «منطقه عملیاتی وسیع» در استراتژی کشورهای بزرگ نام ببرند.

مهمترین نتایج حاصله در ذهن اندیشمندان ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه را می‌توان در «ذخایر عظیم نفت و گاز (تأمین انرژی)، بازار مصرف، نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی کشورهای منطقه نام برد.

## منابع فارسی

- ۱- لورو، پاسکال و توال، فرانسوا، (۱۳۸۱)، **کلیدهای ژئوپلیتیک**. ترجمه حسن صدوق وینبی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- باری بوزان و دیگران، (۱۳۸۶)، **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**. ترجمه علیرضا طیب. چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- عزتی، عزت اله، (۱۳۸۰)، **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲). **جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک**، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- درایسدل، آلاسدایر و جرالدا اچ. بلیک، (۱۳۷۴)، **جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا**. ترجمه دره میر حیدر. چاپ چهارم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ۶- برادن، کتلین و شلی، فرد، (۱۳۸۳)، **ژئوپلیتیک فراگیر**. ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، چاپ اول. تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۷- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، **ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی**، تهران، نشر نی.
- ۸- اتوتایل، جیروئید و دیگران، (۱۳۸۰)، **اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم**، ترجمه دکتر محمدرضا حافظ نیا، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۹- امیری، مجتبی، (۱۳۸۲)، **نظریه برخورد تمدن‌ها**، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۰- نصر، سیدحسین، (۱۳۷۴)، **برخورد تمدن‌ها و پیامد آن برای ایران**، در: **نظریه برخورد تمدن‌ها**، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۱- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، سمت، تهران.
- ۱۲- نصری، قدیر، (۱۳۸۴)، **نفت و معمای امنیت در خاورمیانه**. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال سوم. شماره هفتم. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.

## منابع انگلیسی

- 1- Bahgat, Gawdat(2002). **The new geopolitics of oil, U S A** , Foreign policy research institute.
- 2- Glassner.Martin(1992). **Political geography**, Singapore, Joha Wiley & Sons Inc.
- 3- El- Shazly, N. El- Sayed, **The Gulf Tanker War**, MacMillan Press Ltd, 1998.
- 4-Huntington, Samuel P(1993). **The clash of civilizations, In: Geopolitics reader**, London, Routledge Peres .
- 5-Williiam klark, **Geopolitical Pivots OF History** (Leicester Unhversity Press ,1965 , PP: 434-433
- 6- Saul B. Chohen, **Geography And Politics in a Pivided 2<sup>nd</sup> ed.** (New York: Oxford University Press, 1973.